

۵۰ کلمه پرکاربرد در زبان انگلیسی

1-Accept: I accept your appolozy.

من معذرت خواهی تو را می‌پذیرم

2- Add: I added a room to my house

من یک اتاق به خانه‌ام اضافه کردم.

3- Agree: Why did you agree to meet her in the first place?

چرا از ابتدا موافقت کردی که او را ملاقات کنی؟

4- Ask: He asked me to do the job.

او از من خواست تا کار را انجام دهم.

5- Bathe: I bathe every day.

من هر روز حمام می‌کنم.

6- Become: John became very sick.

جان خیلی مریض شد.

7- Believe: I believe in you.

من به تو ایمان دارم.

8- Bring: I will bring some cake.

من کمی کیک خواهم آورد.

9- Buy: I'm buying a shirt.

من در حال خرید یک تیشرت هستم.

10- Borrow: I need to borrow some money.

من نیاز دارم تا کمی پول قرض بگیرم.

11- Care: Take care of yourself.

مراقب خودت باش.

12- Choose: I chose to ignore him.

من انتخاب کردم تا او را نادیده بگیرم.

13- Cook: I will cook for you.

من برای شما آشپزی می‌کنم.

14- Count: he is counting on me.

او روی من حساب می‌کند.

15- Cry: The baby is crying.

بچه گریه می‌کند.

16- Cut: Jim cut his finger.

جیم انگشتش را برید.

17- Dance: I want to dance.

من می‌خواهم برقصم.

18-Dare: how dare you!

چطور جرعت می‌کنی!

19-Deal: I have to dealt with it.

من باید با آن کنار بیایم.

20-Decide: He decided to be with me.

او تصمیم گرفت با من باشد.

21-Drive: He drives a bus.

او یک اتوبوس را می‌راند.

22-Drop: I dropped my glass.

من لیوانم را انداختم.

23-Eat: I ate my lunch at 12 O'Clock.

من ساعت ۱۲ ناهارم را خوردم.

24- Enjoy: I am enjoying my lunch.

من از ناهارم لذت می‌برم.

25-Explain: I can explain everything.

من می‌توانم همه چیز را توضیح دهم.

26-Fall: I fell in the pool.

من در استخر افتادم.

27-Feed: I am feeding my cat.

من به گربه‌ام غذا می‌دهم.

28-Feel: I feel that you are a good kid.

من احساس می‌کنم که تو بچه خوبی هستی.

29-Fight: Don't fight with me.

با من دعوا نکن.

30-Find: I can't find my glasses.

نمی‌توانم عینکم را پیدا کنم.

31-Finish: just finish your homework.

فقط تکالیفت را تمام کن.

32-Forget: I'll never forget you.

من هیچوقت فراموشت نخواهم کرد.

33-Forgive: I'm forgiving you.

من تو را می‌بخشم.

34-Give: can you give me the pen?

می‌توانی یک خودکار به من بدهی؟

35-Go: Let's go to the park.

بیایید به پارک برویم.

36- Hate: I hate to be here.

من از اینکه اینجا باشم متنفرم.

37-Have: I have a dog.

من یک سگ دارم.

38-Hear: Can you hear me?

می‌توانی من را بشنوی؟

39- Laugh: Harry is laughing.

هری می‌خندد.

40-Lay: He laid on the ground.

او روی زمین دراز کشید.

41-Make: I can make dinner.

من می‌توانم شام درست کنم.

42- Miss: I miss the train.

من قطار را از دست دادم.

43- Need: You need to change your life.

تو نیاز داری تا زندگی‌ات را تغییر دهی.

44- Open: Open the windows.

پنجره‌ها را باز کن.

45- Paint: She painted the door.

او در را رنگ کرد.

46- Play: I can play football.

من می‌توانم فوتبال بازی کنم.

47- Read: I read the book.

من کتاب را خواندم.

48-Realize: I didn't realise you were here.

من متوجه نشدم که تو اینجا بودی.

49- Receive: We received a call from her.

ما یک تماس از او دریافت کردیم.

50- Think: I think that she is pretty.

من فکر می‌کنم که او زیبا است.